

چکیده

هر مکلف عاقل و بالغ پس از اینکه برای رفتن به حج، مستطیع شد، حج بر او مستقر می‌شود؛ لذا فراگیری احکام و مناسک حج، برای تمام زائران بیت‌الله‌الحرام امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. یکی از این احکام، آگاهی از وظایف معذورین حج می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و با هدف بررسی فقهی تکالیف معذورین حج که معذورین شامل: وقوف اضطراری برای بانوان، قربانی کردن، انجام اعمال بعد از منی، خانم‌هایی که در ایام عادت هستند و افراد مریض و سالخورده، که برای بررسی نظرات و ادله‌ی فقها را در دو مقام یکی از جهت تفاوت بین نیابت تبرعی و نیابت استیجاری و از جهت عذر طاری و غیرعذر طاری مورد مذاقه قرار داده‌ایم؛ به طوری که به فتوای حضرت امام خمینی(ره) و برخی از فقهای بزرگوار، اگر از ابتدا فرد معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت او صحیح نیست و در هر صورت کسی نمی‌تواند نیابت منوب - عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی.

همچنین گرفتن نیابت برای معذورین را در دو مقام بررسی کرده‌ایم: اول از جهت جواز عمل و صحت حجی که نیابت انجام می‌دهد و دوم از جهت استحقاق اجرت و حق‌العملی که نیابت از منوب‌عنه و یا از وصی و یا وارث او می‌گیرد. به طوری که اکثر قریب به اتفاق فقها معتقدند اگر کسی حج واجب مضیق(به همان سال) بر ذمه داشته باشد، نمی‌تواند نیابت دیگری شود و اگر مرتکب چنین عملی شود، حج او باطل است؛ اما اگر از انجام حج خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد. فقهای معاصر بر خلاف فقهای گذشته، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و درباره عذر غیر طاری فرموده‌اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی‌تواند نیابت کسی در حج شود و اگر نیابت کند اکتفا به حج وی مشکل است و مجزی از منوب عنه نخواهد بود، اما درباره عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست.

کلمات کلیدی: حج، معذورین حج، تکالیف حج، نیابت تبرعی، نیابت استیجاری، عذر طاری، عذر غیر طاری

مقدمه

یکی از مهمترین ارکان دین اسلام حج می‌باشد. مسلمانان با داشتن شرایطی وظیفه دارند در دهه اول ماه ذی-الحجه به مسجدالحرام در شهر مکه رفته و مجموعه‌ای از اعمال نیایشی را به جا آورند:

«وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»

حج از دیدگاه قرآن دارای جایگاهی خاص و دارای فلسفه، احکام و مناسک معینی می‌باشد. فراگیری احکام و مناسک حج، برای تمام زائران بیت الله الحرام امری ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ چرا که انجام درست اعمال حج، بدون شناخت احکام و مناسک آن، غیر ممکن است و کسی که به جهت عدم آگاهی به مسائل شرعی، خللی در اعمال وی پیش آید، علاوه بر آنکه هرگز به مراتب معنوی حج نمی‌رسد، به جهت باطل شدن عمره یا حج یا ارتکاب به محرمات احرام، مشکلات فراوانی برایش پدید خواهد آمد (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۳۳). حج نمایشی عظیم از وحدت جامعه اسلامی است، هر مسلمانی موظف است با رها شدن از همه قید و بندها و پیوندهای زندگی و پرهیز از تمام کارهای روزانه در این نمایش عظیم شرکت کند.

« وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ » (حج: ۲۷)

دین اسلام دین وحدانیت خالص و یکتا پرستی است. دینی است که اعتقادی به وساطت در ارتباط بین بندگان با خدایشان ندارد (محمودی، ۱۳۸۰: ۴۲). دین اسلام برای تربیت و اصلاح پیروان خویش، دارای برخی احکام و قوانین است که برخی از این احکام به عنوان شعائر و مظاهر تجلی قدرت و عظمت اسلام این دین آسمانی تلقی می‌شوند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲). خداوند در سوره ۲۶ بقره سه موضوع محوری حج را بیان می‌کند: ۱- محل امن بودن خانه خدا؛ یعنی خداوند مقرر نمود، کسی که به این خانه پناهنده شود، تا هنگامی که در آنجا است جان و مال او ایمن باشد و هرگز ترس به خود راه ندهد. ۲- مقام ابراهیم (ع)؛ مقام ابراهیم محلی است که در آن حضرت ابراهیم، برای بنای کعبه، یا برای انجام مراسم حج، و یا برای دعوت عمومی مردم برای انجام این مراسم بزرگ ایستاد. ۳- پاک کردن خانه خدا؛ یعنی خداوند به حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) دستور می‌دهد که آنرا از هر نوع نجاسات و

پلیدی‌های ظاهری، بت و بت پرستی و پلیدی‌های باطنی، برای طواف کنندگان، مجاوران، رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۳).

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (حج: ۲۶).

تبیین موضوع

حج یک عمل دینی است که قرآن کریم در مورد ابعاد و مسائل مختلف آن سخن گفته در این پژوهش در مورد معذورین حج از جمله وقوف اضطراری برای بانوان، قربانگاه، اعمال بعد از منی و افراد مریض، بیمار و کهنسال بحث شده و وظایف معذورین از دیدگاه دیگران روایات و اقوال فقها و نظرات مفسران مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت موضوع

اهمیت مسائل فقهی عمره و حج، بر کسی پوشیده نیست و بی شک درستی و نادرستی اعمال زائران بیت الله الحرام بستگی به انطباق و عدم انطباق آن‌ها با احکام و مناسک عمره و حج دارد، هرچند صحت اعمال، مقدمه رسیدن به روح حج و مراتب معنوی آن است ولی به تعبیر حضرت امام خمینی (قدس سره) «مراتب معنوی حج جز با عمل مو به مو به مناسک حاصل نخواهد شد». ابعاد و مسائل مختلف حج دارای ضرورتی اساسی است زیرا حج یکی از ضروریات اسلام و یکی از اساسی‌ترین فرایض و از مهم‌ترین فروع دین می‌باشد. حج آثار بی‌شماری بر حیات معنوی و فردی و اجتماعی جامعه اسلامی دارد که در قرآن ابعاد مختلف آن مطرح شده است. در مورد اهمیت و ثواب این سفر معنوی روایات زیادی از ائمه معصومین نقل شده است امام علی (ع) درباره فضیلت حج و عمره می‌فرمایند: بهترین وسیله‌ای که سالکان برای رسیدن به خدا بدان جنگ می‌زنند، ایمان به او و پیامبرش در راه او... و زیارت خانه او در حج و عمره است؛ همانا حج و عمره فقر را از میان برمی‌دارد و گناه را می‌ریزد:

«أَنَّ أَفْضَلَ فَاتَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَرَسُولُهُ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ ... وَحَجَّ الْبَيْتِ وَاعْتَمَدَهُ فَإِنَّهَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَرْخِصَانِ الذَّنْبَ»

بنابراین یکی از ابعادی که بسیار دارای اهمیت است، آگاهی از وظایف معذورین حج می‌باشد. کسانی که در انجام اعمال حج به دلایلی دچار معذوریت شده‌اند، وظایفی دارند و اهمیت این موضوع در آن است که وظیفه آنان چیست، چه اعمالی را و چه اعمالی را نباید انجام دهند.

پیشینه موضوع

با توجه به این که حج از زمان حضرت آدم(ع) آغاز شد و در زمان حضرت ابراهیم(ع) به عنوان سنت و شریعتی فراگیر مطرح شد ولی در زمان پیامبر اسلام(ص) در سال ششم بعثت به امر خداوند و نه در اسلام احیا و مردم بدان فراخوانده شدند. پس از آن به همین منوال ادامه داشته و نخستین بار قرآن و بعد روایات و بعد کتب بسیاری زیادی در طول تاریخ راجع به احکام و ابعاد حج نوشته شده است. در رابطه با موضوع تحقیق آنچه از کاوش محقق مستخرج شد تنها مطالعه‌ای از ظهیری(۱۳۸۳) در رابطه با طواف معذورین در طبقه فوقانی مسجد الحرام پرداخته ضمن آنکه مطالعات زیادی در زمینه حج و آثار آن انجام شده است.

معذورین حج

معذورین حج چه کسانی هستند؟ از نظر احکام فقهی، وظیفه همه افراد مشخص شده و همه می‌توانند به راحتی به وظیفه خود عمل کنند و هیچ کس با اعمال ناقص یا باطل (به خواست خداوند) از این دیار نخواهد رفت. به عنوان مثال به چند مورد از معذورین حج اشاره می‌شود:

وقوف اضطراری برای بانوان

بانوان و افراد ناتوان می‌توانند شب عید قربان، پس از آن که مقداری بعد از نصف شب در مشعرالحرام مانند، به منی بروند، و این همان وقوف اضطراری مشعرالحرام است. البته غیر از بانوان، کسانی که نمی‌توانند روز رمی کنند، اشکال ندارد رمی را در شب انجام دهند، و باید توجه داشت که رمی در شب برای بانوان (بطور مطلق)

اختصاص به رمی روز عید قربان دارد، ولی نسبت به روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه تنها بانوانی که نمی‌توانند در روز رمی کنند، رمی شبانه برای آنها جایز است ولی کسانی که بتوانند در روز خودشان انجام دهند، نمی‌توانند شب رمی کنند. رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان (بانوان) در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

قربانگاه

یکی از اعمال روز عید و از جمله حساس‌ترین اعمال حج «قربانی» است. در سال‌های اخیر تمام افراد نمی‌توانند به قربانگاه بروند، چون بانوان را مطلقاً به قربانگاه راه نمی‌دهند، و بسیاری نیز توان این کار را ندارند، بنابراین لازم است کسانی قربانی را از طرف آنها انجام دهند تا اعمال روز عید قربان به تأخیر نیفتد و کسانی که از طرف سایرین به قربانگاه می‌روند به نکات ذیل توجه داشته باشند:

۱- حتماً از کسانی که بناست برایشان قربانی را انجام دهند، نیابت بگیرند و صرف این که او هم باید قربانی کند و خوشحال می‌شود، کافی نیست.

۲- در انتخاب گوسفندان دقت کنید که دارای شرایط لازم باشد و مهمترین شرایط لاغر نبودن و ناقص نبودن حیوان است.

۳- در ذبح حیوان نیت و قصد نیابت و جهت قبله و گفتن «بسم الله...» فراموش نشود.

۴- چون به فتوای برخی از فقها؛ از جمله حضرت امام خمینی (ره) ذبح با چاقوی استیل صحیح نیست، چاقویی که مورد استفاده قرار می‌گیرد آهن باشد.

۵- به فتوای حضرت امام خمینی - ره - ذبح حیوان باید مؤمن باشد، لذا این مسئله هم مورد توجه قرار گیرد.

اعمال مکه یا اعمال بعد از منی

اعمال بعد از منی تا آخر ذی الحجه وقت دارد. بنابراین کسانی که از انجام اعمال معذورند و در شلوغی نمی‌توانند اعمال را بجا آورند، صبر می‌کنند تا پس از گذشت چند روز خلوت شده و اعمال را بجا می‌آورند. ولی

باید توجه داشت: تا وقتی که طواف حج و سعی را بجا نیاورده‌اند، بوی خوش همچنان حرام است و تا وقتی که طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورده باشد، زن و مرد به یکدیگر حرام هستند.

خانم هایی که در ایام عادت هستند

اگر عادت ماهیانه پیش از وقوف عرفات رخ دهد، چنانچه وقت باشد به گونه‌ای که زن پیش از وقوف یعنی پیش از روز نهم پاک شود، باید صبر کند و چون پاک می‌شود، باید طوافش را انجام دهد. اما اگر عادت او به گونه‌ای است که پیش از وقوف عرفات پایان نمی‌یابد، حج او به حج مبدل می‌شود و باید در همان حال به عرفات و مشعر و سپس به منی برود و تمام مناسک را به جای آورد و البته برای طواف حج باید صبر کند تا پاک شود. وقت طواف حج، تا آخر ذی‌الحجه است. پس از آن که اعمال حج افراد را به پایان می‌برد، باید یک عمره مفرده به جای آورد. اما چنانچه پس از آن برای طواف از منی باز می‌گردد، عادت ماهیانه پیش آید، چنانچه برایش ممکن است که پس از پاک شدن اعمال باقی مانده را انجام دهد، باید صبر کند و پس از پاکی، طوافش را انجام دهد؛ اما اگر کاروان برای حرکت شتاب دارد و او نمی‌تواند در مکه بماند، باید برای طواف و نماز آن نایب گیرد و پس از آن که نایب از طواف و نماز فارغ می‌شود، خود زن در همان حال، سعی صفا و مروه را انجام دهد و دوباره برای طواف نساء و نماز آن نایب گیرد. پس از آن که نایب از طواف و نماز آن فارغ می‌شود، زن از احرام خارج می‌گردد و حشش به پایان می‌رسد.

بیماران و مجروحان

دیگر افرادی که ممکن است برای معذوریت طواف پیش آید وقوع حوادث و بیماری است که ممکن است به حدی باشد که فرد نتواند اعمال حج را انجام دهد.

همان طور که تشریح کردیم برای معذورین می‌شود موارد متعددی را تصور کرد؛ از جمله، کسانی که خدمات زائران را برعهده دارند؛ مانند مدیر ویا معاون کاروان که به خاطر همراهی زنان و معذورین در شب دهم ذیحجه برای رفتن به منی و رمی جمره عقبه، نمی‌توانند وقوف اختیاری مشعرالحرام را درک نمایند یا کسانی که بیمار می‌شوند و در عسر و حرج قرار می‌گیرند و...، این مسئله از دو جهت می‌تواند مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا وظیفه معذورین انجام طواف مباحثی است و لو با

اطافه (طواف دادن) دیگری یا طواف نیابی نیز مجزی است؟ به عبارتی دیگر، آیا بر آنها واجب است در صورت تمکن، به گونه تعیینی، که خود مستقیماً طواف را - و لو با استفاده از ابزاری چون ویلچر - انجام دهند؟ یا این که به سبیل تخییر می‌تواند کسی را نایب خود قرار دهد تا به نیابت از او طواف بگذارد؟ برای پاسخ به این سؤال نظرات و ادله‌ی فقهای عظام را در دو مقام (نخست، از جهت تفاوت بین نیابت تبرعی و نیابت استیجاری و دوم، از جهت عذر قبلی و عذر طاری) پی می‌گیریم. قبل از بیان تفاوت نیابت تبرعی و استیجاری به تعریف نیابت و شرایط آن می‌پردازیم:

هر مکلف عاقل و بالغ پس از اینکه برای رفتن به حج، مستطیع شد، حج بر او مستقر می‌شود. یعنی باید مقدمات سفر حج را فراهم نماید. و کسانی که حج بر آنان واجب شده، ولی به حج نرفته‌اند و به سبب بیماری شدید یا پیری امیدی ندارند که خود، حج را به جا آورند، می‌توانند انجام مناسک حج را از جانب خود به نایبی واگذار کنند (خلخالی، ۱۴۰۵). نایب گرفتن برای حج در قالب عقد اجاره یا جعله صورت می‌گیرد (زحیلی، ۱۴۰۹). کسی که در حج نیابت می‌پذیرد، باید دارای شرایطی باشد که از جمله آنها:

۱- واجب نبودن حج بر نایب ۲- آشنایی به افعال و احکام حج (هر چند با ارشاد کسی در هنگام عمل)، ۳- معذور نبودن در ترک برخی از افعال حج (علامه حلی، ۱۴۱۳ق. ج ۴، ص ۳۱۲) بنابراین، افرادی که حج واجب خود را بجا نیاورده‌اند و مستطیع هستند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند و کسانی که از انجام دادن کامل اعمال حج، معذور باشند، و از ابتدا می‌دانند که باید وظیفه معذور را انجام دهند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند، مانند آن عده از خدمه کاروان که شب عید قربان با انجام دادن وقوف اضطراری مشعر، همراه با بانوان به منی می‌روند. به فتوای حضرت امام خمینی (ره) و برخی از فقهای بزرگوار، اگر از ابتدا هم معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت او صحیح نیست، بنابراین بهتر است که مدیران، معاونان و خدمه کاروان‌ها نیابت نپذیرند، چون هر لحظه ممکن است به هنگام انجام اعمال مشکلی برای کاروان پیش آید که بناچار باید اعمال معذور را انجام دهند، پس در صورتی که یکی از خدمه، نیابت پذیرفته باشد، بهتر است به اطلاع مدیر کاروان برساند، تا در هنگام اعمال و پذیرفتن کارهای اجرایی کاروان به مشکل برنخورد.

مقام اول: تفاوت نیابت تبرعی و نیابت استیجاری

در این بحث، نظر مشهور فقها این است که نیابت حج، استیجاری باشد یا تبرعی، اگر به وسیله شخص معذور انجام گیرد، جایز نبوده و مجزی از منوب عنه نمی‌باشد (یزدی، دوم، ۱۴۱۲ق. ج ۲، ص ۳۲۳؛ آملی، ۱۳۸۰ق.، ج ۲۱، ص ۲۱۳؛ حکیم، اول، ۱۴۱۶ق.، ج ۱۱، ص ۱۹؛ خویی، دوم، ۱۴۱۶ق. ج ۲، ص ۳۸؛ امام خمینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱، ص ۳۳۵؛ تبریزی، اول، ۱۴۱۶ق.، ج ۴، ص ۴۵؛ فاضل لنکرانی، دوم، ۱۴۱۸ق.، ج ۲، ص ۲۸). دلیل این نظریه، نیابت در اعمال عبادی خلاف اصل است، مگر آنکه دلیلی برای آن اقامه شود. در باب حج و عمره، دلیل خاصی برای نیابت در برخی از صور آنها وجود دارد و بدین جهت حکم به جواز نیابت در آن صور گردیده و آن ادله انصراف دارند به نیابت شخصی که قادر به انجام حج و عمره باشد و شامل شخص معذور نمی‌شوند و درباره معذور، ناگزیر باید به اصل مراجعه کنیم و اصل در چنین مواردی عدم جواز است. آیت الله خویی در این باره فرموده‌اند:

«لِعَدَمِ الدَّلِيلِ عَلَى جَوَازِ اسْتِنَابَةِ الْمَعْذُورِ وَ جَوَازِ الْإِكْتِفَاءِ بِالنَّاقِصِ بَعْدَ فَرَضِ تَمَكُّنِهِ مِنْ اسْتِنَابَةِ الْقَادِرِ» (خویی، دوم، ۱۴۱۶ق.، ج ۲، ص ۳۷). بنابراین، اگر شخص ناقص حتی به صورت تبرعی، حج منوب عنه را انجام دهد، موجب فراغ ذمه وی نمی‌گردد؛ زیرا آنچه که بر وی واجب بوده، عبارت است از حجی که تام و کامل باشد. مواردی هست که اگر منوب عنه واجباتی را در حج مباشری خود ترک می‌کرد، زیانی متوجه حج او نمی‌شد و حجتش صحیح و مجزی بود، حال اگر نایب در انجام همان واجبات، عذری داشت، شاید بتوان گفت که نیابت وی صحیح و مجزی از منوب عنه است؛ زیرا همانطور که خود منوب عنه اگر چنین مشکلی داشت و حج خود را انجام می‌داد، از وی مجزی و مقبول بود. نایب نیز که قائم مقام وی است، همان حکم را دارا است. مگر این که منوب عنه انجام آنها را به صورت مباشری وصیت کرده و یا در قرارداد استیجار شرط شده باشد، در این صورت اشکال در جای خود باقی است. همچنین در صورت انجام تبرعی، اگر متبرع قادری نباشد که منوب عنه را بریء الذمه نماید، جواز نیابت متبرع معذور ممکن خواهد بود (صافی گلپایگانی، اول، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۱۱۵). ممکن است دلیل این تفصیل آن باشد که در صورت نبودن شخص قادر، امر دایر باشد بین این که

حج متوفاً اصلاً قضا نشود یا اینکه توسط عاجز و ناقص انجام شود؛ طبعاً دومی دارای ترجیح است. آملی، ۱۳۸۰ق.، ج ۲۱، ص ۱۲۰؛ حکیم، اول، ۱۴۱۶ق.، ج ۱۰، ص ۸۹).

به نظر می‌آید ترجیح با گفتار مشهور فقها باشد؛ زیرا ادله جواز نیابت، انصراف دارد به نیابت شخصی که قادر به انجام حج باشد و شامل شخص معذور (اعم از تبرعی و استیجاری) نمی‌گردند و متبادر از نیابت برای منوب عنه، نیابت شخص قادری است که اعمال حج را با تمام اجزاء و شرایطش برای منوب عنه بجا آورد. برخی از فقها گفته‌اند: همان طور که خود منوب عنه اگر واجباتی را ترک می‌کرد مانعی نداشت، برای نایب نیز بلامانع است. لیکن برای این نظریه وجهی لحاظ نمی‌گردد؛ زیرا گرچه افعال و اعمال خود مکلف و نایب در حج یکی است، اما از جهت عامل، هر کدام حکم خود را دارند. ممکن است عذری برای خود مکلف معفو عنه باشد ولی برای نایب نباشد. به هر روی، نیابت خلاف اصل است، مگر آن که دلیلی برای آن پیدا شود. برای جواز نیابت معذور دلیلی وجود ندارد (موسوی عاملی، اول، ۱۴۱۱ق.، ج ۷، ص ۱۴۱؛ صاحب جواهر، اول، ۱۳۶۶ش. ج ۷۰، ص ۲۱۶ و ۳۹۳؛ محقق کرکی، دوم، ۱۴۱۴ق.، ج ۳، ص ۱۱۷). همچنین گفته‌اند:

در صورت نبودن غیر معذور، نیابت مبترع معذور جایز است، به نظر می‌رسد این نیز مورد نداشته باشد؛ زیرا شخص متبرّع تکلیفی نسبت به منوب عنه ندارد تا بگوییم که اگر غیر معذور پیدا نشد، بر معذور جایز باشد که حج منوب عنه را انجام دهد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی (حرّ عاملی، اول، ۱۴۰۸ق.، ج ۹، ص ۲۴۷؛ مناسک محشی ۱۴۱۴، ص ۳۲۳؛ شهید ثانی، اول، ۱۴۱۳ق.، ج ۲، ص ۹۸؛ صاحب جواهر، سوم، ۱۳۶۸ش. ج ۷۰، ص ۱۹۸). گرفتن نایب برای معذورین در دو مقام قابل بحث و بررسی است: اول از جهت جواز عمل و صحت حجی که نایب انجام می‌دهد. دوم از جهت استحقاق اجرت و حق‌العملی که نایب از منوب عنه و یا از وصی و یا وارث او می‌گیرد.

مقام اول: درباره جواز عمل و صحت حج

در این مطلب، سه نظریه از فقهای عظام شیعه نقل شده است: اکثر قریب به اتفاق فقها معتقدند اگر کسی حج واجب مضیق (به همان سال) بر ذمه داشته باشد، نمی تواند نایب دیگری شود و اگر مرتکب چنین عملی شود، حج او باطل است (محقق حلی، دوم، ۱۴۰۸ق.، ج ۱، ص ۱۶۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق.، ج ۴، ص ۳۴۱؛ شهید ثانی، اول، ۱۴۱۳ق.، ج ۲، ص ۱۵۳؛ صاحب جواهر، سوم، ۱۳۶۷ش. ج ۷۱، ص ۳۲۸ و ص ۳۶۳؛ موسوی عاملی، اول، ۱۴۱۱ق.، ج ۷، ص ۸۸؛ محقق کرکی، دوم، ۱۴۱۴ق.، ج ۳، ص ۱۰۹).

دلیل آنان روایات متعددی است که در این باب وجود دارد؛ از جمله دو صحیحۀ زیر که از امام جعفر صادق نقل گردیده است:

الف: صحیحۀ سعید بن عبدالله اعرج: «عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ عَنِ الصَّرُورَةِ، أَيُحُجُّ عَنْ الْمَيْتِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرُورَةَ مَا يَحُجُّ بِهِ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَحُجَّ مِنْ مَالِهِ...» (حرّ عاملی، اول، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۱، ص ۱۷۲). این حدیث از جهت سند، صحیح و بلا اشکال است. از جهت دلالت، جمله «إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرُورَةَ مَا يَحُجُّ بِهِ» و همچنین جمله «فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَحُجَّ مِنْ مَالِهِ» دلالت دارند بر این که هرگاه کسی حج واجب بر ذمه داشته باشد، نمی تواند نایب دیگری شود. بنابراین، او یک تکلیف بیشتر ندارد و آن انجام حج واجب خویش است. با این حال، اگر تخلف کند و نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد و حج او را انجام دهد، عملش باطل است (امام خمینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱، ص ۳۳۲). و در این صورت، نه برای منوب عنه محسوب می شود و نه برای نایب؛ زیرا عمل او مشروعیتی نداشته و برای جواز و صحتش دلیلی وجود ندارد. ب: تعداد اندکی از فقها، به ویژه فقهای معاصر، حکم به صحت عمل نایب داده اند (یزدی، دوم، ۱۴۱۲ق.، ج ۲، ص ۵۰۴؛ خوئی، اول، ۱۴۱۸ق.، ج ۲۷، ص ۱۱). آنان معتقدند این مسئله از صغریات باب تزاحم است که هریک از متزاحمین به تنهایی حکم جواز دارند، لیکن در یک نقطه تلافی کرده و مزاحم همدیگر شده اند.

این اختلاف نظرها در جایی است که شخص توان مالی و جسمی و سایر شرایط رفتن به مکه را داشته باشد، اما اگر از انجام حج خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد؛ مثلاً کسی که از قبل

استطاعت مالی داشته ولی از نظر جسمی ناتوان و یا بیمار بوده و بدین جهت حج خویش را به انجام نرسانده، لیکن بعدها عافیت یافته و توان جسمی برای انجام حج را پیدا کرده، لیکن دیگر استطاعت مالی ندارد و بضاعت وی برای انجام حج ناچیز است و کفاف رفت و برگشت او را نمی‌کند. در این صورت می‌تواند نایب کس دیگر شود. همچنین کسی که شرایط حج وی کامل نشده، گرچه ضروره هم باشد، می‌تواند نایب کس دیگر قرار گیرد (محقق حلی، دوم، ۱۴۰۸ق.، ج ۱، ص ۱۶۹؛ فاضل آبی، سوم، ۱۴۱۷ق.، ج ۱، ص ۳۳۰؛ یزدی، دوم، ۱۴۱۲ق.، ج ۲، ص ۵۰۴). در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی.

مقام دوم: تفاوت بین عذر طاری و عذر غیر طاری

عذر غیر طاری یا عذر قبلی، به موردی گفته می‌شود که نایب پیش از احرام می‌داند معذور است. عذر طاری و یا عذر حادث، عذری است که پیش از احرام وجود نداشته و بعد از آن که شخص محرم شد به وجود می‌آید. فقهای معاصر بر خلاف فقهای گذشته، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و غالب آنان به فتوا و یا به احتیاط واجب درباره عذر غیرطاری فرموده‌اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی‌تواند نایب کسی در حج شود و اگر نیابت کند اکتفا به حج وی مشکل است و مجزی از منوب عنه نخواهد بود. اما درباره عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست و در مجموع، چندین گفتار از ایشان نقل شده که می‌توان همه آنها را در چهار قول به شرح زیر بیان کرد:

۱- امام خمینی، (محمودی، ۱۴۲۹ق. مسئله ۱۰۷ و ۱۶۰). و برخی از فقها که حاشیه بر نظر معظم له ندارند، می‌فرمایند: شخص اگر در انجام بعضی از اعمال عذر داشته باشد (اعم از عذر طاری و عذر غیر طاری) نمی‌توان وی را اجیر کرد و اگر تبرعی نیز انجام دهد، اکتفا کردن به آن مشکل است (محمودی، ۱۴۲۹ق. مسئله ۱۰۷ و ۱۶۰). دلیل این قول آن است که ادله نیابت شامل معذور نیست و برای جواز نیابت معذور دلیل دیگری نیز وجود ندارد اما از اینکه دلیلی وجود دارد مبنی بر اینکه خود مکلف در اثنای عمل اگر با عذری مواجه شود، جایز است استنباه نماید، این دلیل مخصوص خود مکلف است و سرایت آن به نایب، دلیل و بین‌های می‌خواهد که موجود نیست.

۲- آیات عظام خوئی، تبریزی، مکارم شیرازی و نوری همدانی بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفصیل قائل شده‌اند؛ به این معنا که در عذر طاری عمل نایب صحیح و مجزی از منوب عنه می‌باشد، ولی اگر عذرش غیر طاری باشد، نیابتش صحیح نبوده و مجزی نخواهد بود (آیات عظام خوئی، تبریزی، مکارم شیرازی و نوری همدانی). آیت الله گلپایگانی نیز همین نظر را دارد با این تفاوت که در عذر غیر طاری فرموده‌اند بنا بر احتیاط، نیابت معذور صحیح نیست.

به هر روی، دلیل این قول آن است که مقتضای قاعده اولی، لزوم استنباه در عمل تام است و فرض هم بر این است که منوب عنه قادر است نایبی را برگزیند که عمل تام را انجام دهد، بدین جهت نوبت به استنباه در عمل ناقص نمی‌رسد. اما در عذر طاری، که در اثنای عمل حادث می‌گردد، عموم ادله نیابت برای معذور در اثنای عمل، شامل آن می‌گردد؛ یعنی اگر خود شخص در اثنای عمل، معذور از انجام برخی اعمال می‌شد، ادله‌ای دلالت دارند که در این مورد استنباه جایز است. همان ادله، شامل عذر حادث نایب نیز می‌گردد. علاوه بر آن، حدوث عذر در اثنای عمل، با تمام اقسام و گونه‌های مختلفش، امر متعارفی است و بدین جهت، مندرج در عموم ادله نیابت و استنباه می‌باشد (بحرانی، اول، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۲۶). آیت الله شیخ جواد تبریزی نیز به همین دو دلیل اشاره کرده، فرموده‌اند: «نعم لو طرء الاضطرار علی النائب أثناء العمل فی الحج لا یبعد الالتزام بالاکتفاء به، لان ما ورد فیمن طرء علیه الاضطرار أثناءه یعم النائب عن الغیر فی حجه، مع ان طریانه امر عادی فی الحج و عدم التعرض لبقاء العمل علی عهده المنوب عنه مقتضاه الاجزاء» (تبریزی، اول، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۱۹).

۳- آیت الله سیستانی از دو جهت قائل به تفصیل شده‌اند؛ یکی از جهت «طاری و غیر طاری» و دیگری از جهت «اختیار و عدم اختیار در ترک عمل»؛ بدین جهت فرمودند: اگر عذرش غیر طاری باشد، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند اجیر شود و حتی اگر به صورت تبرعی هم انجام دهد، اجزاء از منوب عنه اشکال دارد. اما اگر عذر وی طاری است و عمل مورد نظر، عملی است که ترک اختیاری آن (مانند طواف نساء، بیتوته در منی، رمی جمره روز یازدهم و دوازدهم) مبطل نیست، نیابتش صحیح است و مجزی از منوب عنه می‌باشد. ولی اگر عمل مورد نظر، عملی است که ترک اختیاری آن مبطل حج است (مانند احرام، وقوف در عرفات و وقوف در مشعر)، معذوریت در آن موجب بطلان عمل و عدم اجزاء از منوب عنه خواهد بود (سیستانی، پانزدهم، ۱۴۳۰ق؛ مسئله

۱۱۳). آیت الله شاهرودی نیز شبیه همین تفصیل را بیان نموده، فرمودند: «يُمْكِنُ أَنْ يُقَالَ بِالْتَفْصِيلِ بَيْنَ الْأَعْدَارِ: بَأَن يُقَالَ بِجَوَازِ اسْتِنَابَةِ الْمَعْذُورِ فِي تَرْكِ بَعْضِ الْأَعْمَالِ إِنْ كَانَ الْمَعْذُورُ فِيهِ مِمَّا تَقْبَلُ النِّيَابَةَ، وَ بَعْدَمِ جَوَازِ اسْتِنَابَتِهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ قَابِلًا لَهَا» (شاهرودی دوم، ق.، ج ۲، ص ۳۵).

به هر روی، دلیل تفصیل اول این گفتار، همان دو دلیلی است که در قول دوم بیان شد. اما دلیل تفصیل دوم این است که برخی از اعمال حج، نیابت پذیر نیست، حتی اگر برای خود مکلف هم واقع شود، نمی تواند استنباه کند و لاجرم حج وی باطل می شود؛ مثلاً اگر معذور از محرم شدن باشد و یا نتواند وقوفین (حتی اضطراری) را درک کند، حجش باطل است و نایب نیز که قائم مقام منوب عنه است، بی تردید همین حکم را خواهد داشت.

۴- به نظر آیت الله خامنه‌ای؛ اگر عذر طاری منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود؛ مثلاً در ارتکاب بعضی از تروک معذور باشد، در چنین صورتی اشکالی در نیابت نایب به وجود نمی آید، لیکن اگر عذر وی منجر به نقص در اعمال شود، بطلان اجاره بعید نیست و احوط، مصالحه بین نایب و منوب عنه در اجرت و اعاده حج برای منوب عنه است (خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، اول، ۱۳۸۷ ش).

آیت الله بهجت نیز فرموده‌اند: بنا بر احتیاط، با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی توان معذور را اجاره کرد، بلکه اگر شخص معذور تبرعاً نیابت از منوب عنه نماید، اکتفا کردن به عمل وی مشکل است. اما اگر در اجتناب از برخی محرمات (مانند ترک تظلیل) مضطر باشد، اجیر گرفتن و یا نایب گرفتن چنین شخصی اشکالی ندارد (آیت الله بهجت، ششم، ۱۳۸۷ ش. مسئله ۱۱۰). این قول، در واقع به قول اول بر می گردد که نیابت معذور، حتی معذوری که در اثنای عمل مبتلا به عذر شده باشد، باطل است و مجزی از منوب عنه نخواهد بود. تنها تفاوت این گفتار با گفتار اول، در معذوریت نایب از ترک برخی از محرمات است. دلیل این گفتار همان دلیل قول اول است که بیان شد و دلیل عدم بطلان حج نایب با ارتکاب برخی از محرمات را از ادله دیگر می توان شمرد. به نظر می رسد تمام اقوال و نظرات فقها، به دو مطلب و گفتار بر می گردد؛ «صحت استنباه و اجزاء از منوب عنه» یا «بطلان نیابت و عدم اجزاء از منوب عنه». هیچ یک از قائلین این دو گفتار، دلیل خاصی برای نظریه خود ندارند و هر دوی آن ها اکتفا به عمومات نیابت کرده‌اند؛ متبھی یکی می گوید: این عمومات اطلاق دارد و

معذور در اثنای عمل را شامل می‌شود و دیگری چنین اطلاقی را نفی می‌کند، لیکن حق این است که عموماً مجوز نیابت، شامل عذر طاری و حادث می‌گردد زیرا:

اولاً، در هنگام اجاره و یا هنگام احرام نایب (در نیابت تبرعی)، عذری وجود نداشته که اجاره و یا احرام بر باطل منعقد شده باشد و بدین جهت نایب، واجد شرایط نیابت بوده است. ثانیاً، عذر در حین عمل، مسئله‌ای است عام‌البلوی و ممکن است برای هر حج‌گزاری (اعم از خود مکلف و نایب) پیش آید و شرع مقدس اسلام برای چنین موردی، حکم خاص دارد که توسط ائمه بیان شده و آن عبارت است از استنباط در همان عملی که حج‌گزار، معذور از انجام آن است. از این جهت، تفاوتی بین خود مکلف و نایب نیست و ادله موجود خصوصیتی از این جهت ندارد که شامل بعضی باشد و بعضی دیگر نباشد. مگر در اعمالی که نیابت پذیر نباشند؛ مانند احرام و وقوفین و مانند آنها که در این صورت نیز تفاوتی بین خود مکلف و نایب نیست و در هر دو صورت، حج باطل و مجزی نمی‌باشد. ثالثاً اگر نایب در انجام حج با عذری مواجه شود که نتواند برخی از اعمال را انجام دهد و حکم به بطلان نیابت وی گردد، موجب عسر و حرج برای طرفین به وجود می‌آید.

وجوب طواف مباشری بر معذورین

از نصوص معتبر و فتوای فقهای عظام؛ از قدما تا متأخرین و تا معاصرین، به خوبی می‌توان این مطلب را برگرفت که وظیفه اولی معذورین در صورت تمکن، طواف مباشری است و لو با استعانت از دیگران، و هرگز طواف نیابی برای آن‌ها مجزی نیست. اقوال فقها:

عدم کفایت طواف نیابی و ضرورت و لزوم طواف مباشری است برای معذورینی که تمکن از طواف مباشری دارند، و لو با اطافه دیگری، و این مورد وفاق فقها است، به طوری که پس از تتبع گسترده، مخالفی در مسئله یافت نشد. اکنون به برخی از عبارات و متون قدما و غیر آنها می‌پردازیم:

شیخ الطائفه، طوسی (قدس سره) در نهاییه: «والمريض الذي يستمسك الطهارة فإنه يطاف به ولا يطاف عنه و إن كان مريضاً مما لا يمكنه معه استمسك الطهارة ينتظر به، فإن صلح طاف هو بنفسه و إن لم يصلح طيف عنه و يصلح هو الركعتين و قد اجزأه» (النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، ص ۲۳۹). «و المريض على

ضربین؛ أحدهما يقدر على امساک طهارته، و الآخر لا يقدر عليه، فالأول يطاف به و لا يطاف عنه و الثاني ينتظر به زوال المرض» (سبحانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۱۳؛ خراسانی، ۱۴۱۳؛ کفایة الاصول، ج ۱، ص ۳۵۸). دو عبارت یاد شده، با صراحت کامل، حاکی از این حقیقت است که از نگاه شیخ طوسی، با تمکن معذور از طواف مباشری و لو با استعانت از دیگری، طواف نیابی کافی نیست و واجب است خودش طواف را انجام دهد.

۱- محقق حلی (قدس سره) در شرایع: «و کذا لو مرض فی اثناء طوافه و لو استمر مرضه بحيث لا يمكن أن يطاف به، طيف عنه».

۲- ابن حمزه (قدس سره) در وسیله: «و المريض ضربان؛ إمّا أمکنه امساک الطهارة، أولم یمكنه؛ فالأول طاف به ولیّه و إن نوى لنفسه طوافاً و صحّ و الثاني انتظر ولیّه به، يوماً أو یومین، فإن برأ طاف و إن لم یبرأ أمر من یطوف عنه و صلّى هو بنفسه» (ابن حمزه، ۱۲۷۶: ۳۵۹).

۳- ابن ادریس (قدس سره) در سرائر: «و المريض الذی یستمسک الطهارة فإنه یطاف به و لا یطاف عنه و إن كان مرضه ممّا لا یمكنه معه استمساک الطهارة، ینتظر به، فإن صلح طاف هو بنفسه و إن لم یصلح طیف عنه و یصلّى هو الرکعتین و قد أجزأه» (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۵۳۳).

فقیه جواهری نیز فتوای محقق را مبرهن ساخته و بدین سان با او موافقت نموده و به وجود مخالفی در مسئله اشاره نکرده است. حکم یاد شده، مورد توافق فقهای معاصر و مراجع تقلید نیز می باشد؛ همچنان که در مناسک امام راحل (مسئله ۵۳۷) آمده است: «اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند، اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.» (۶). هیچ یک از فقهای که حاشیه در مناسک دارند، بر عبارت مذکور حاشیه ای نیاورده و بدین سان با فتوای امام راحل موافقت کرده اند (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۵۵، باب ۴۰ از ابواب طواف، حدیث ۴). مستند فتوای مورد وفاق، که اشاره شد، روایات معتبری است که در این باره وارد شده مانند روایت صفوان بن یحیی که گفت:

«سألْتُ أبا الحَسَنِ (عليه السلام) عَنِ الرَّجُلِ الْمَرِيضِ يَقْدُمُ مَكَّةَ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَلَا يَبْنِي الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ، قَالَ: يُطَافُ بِهِ مَحْمُولًا يَخْطُ الْأَرْضَ بِرِجْلَيْهِ حَتَّى تَمَسَّ الْأَرْضُ قَدَمَيْهِ فِي الطَّوَافِ، ثُمَّ يُوقَفُ بِهِ فِي

أَصْلِ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ إِذَا كَانَ مُعْتَلًا» (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۵۵، باب ۴۷ از ابواب طواف، حدیث ۲). و نیز موثقه اسحاق بن عمار، به نقل از ابوالحسن (ع) در حدیثی که گوید از حضرت پرسیدم: «الْمَرِيضُ الْمَغْلُوبُ يُطَافُ عَنْهُ؟ قَالَ: لَا وَلَكِنْ يُطَافُ بِهِ» (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۲، باب ۶۳ از ابواب طواف، حدیث ۱).

در این دو روایت معتبر و اخبار معتبر دیگر، که در این باب وارد شده و در باب ۴۷ از ابواب طواف وسائل الشیعه گرد آمده، با صراحت کامل از وظیفه مریضی پرسیده شده که به تنهایی قادر به طواف نیست و امام (علیه السلام) در پاسخ، طواف نیابی را نفی کرده و وظیفه او را متعین در این نموده که طواف مباشری انجام دهد، منتهی چون خود او، به حسب فرض، متمکن نیست، دیگری باید او را طواف دهد. با در نظر داشتن آنچه آمد، به این نتیجه دست می‌یازیم که از منظر نصوص معتبر و فتاوی اصحاب، اعم از قدما و متأخرین و معاصرین، وظیفه اولی معذورانی که توان ندارند به تنهایی طواف مباشری انجام دهند، باید با استعانت از دیگران، طواف را بالمباشره بجا آورند و هرگز طواف نیابی برای آن‌ها مجزی نیست. ولی نکته قابل توجه این است که بی‌شک فتوای اصحاب و نصوص معتبر مذکور، ناظر به صورتی است که اطافه و طواف دادن شخص معذور به وسیله دیگری، در مداری باشد که عنوان «طواف الکعبه» بر آن صدق کند. اما در صورتی که از این مدار خارج باشد، بطوری که با قطع و یقین عنوان مذکور صدق نکند یا مشکوک باشد، طوافی نیابی، به صورت فتوا یا احتیاط واجب، بایسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۳: ۲۸۷).

نتیجه‌گیری

حج از دیدگاه قرآن دارای جایگاهی خاص و دارای فلسفه، احکام و مناسک معینی می‌باشد. فراگیری احکام و مناسک حج امری ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ چرا که انجام درست اعمال حج، بدون شناخت احکام و مناسک آن، غیر ممکن است و فرد هرگز به مراتب معنوی حج نمی‌رسد. در مقاله به بررسی یکی از احکام چندگانه حج (معذورین) پرداختیم. همان‌طور که تشریح شد برای معذورین می‌شود موارد متعددی همچون کسانی که خدمات زائران را برعهده دارند یا کسانی که بیمار می‌شوند و یا کسانی که قربانی کردن بلد نیستند و موارد دیگر.... حال تکلیف این افراد چیست؟ آیا می‌توانند برای انجام تکالیف حج نایب بگیرند یا خیر؟ برخی فقها بیان کرده‌اند افرادی که حج واجب خود را بجا نیاورده‌اند و مستطیع هستند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند و

کسانی که از انجام دادن کامل اعمال حج، معذور باشند، و از ابتدا می‌دانند که باید وظیفه معذور را انجام دهند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند. به فتوای حضرت امام خمینی (ره) و برخی از فقهای بزرگوار، اگر از ابتدا هم معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت فرد صحیح نیست. اما برخی فقها بیان کرده‌اند که فرد می‌تواند از جانب خود نایب بگیرد. این اختلاف نظرها در جایی است که شخص توان مالی و جسمی و سایر شرایط رفتن به مکه را داشته باشد، اما اگر از انجام حج خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد. به طوری که اگر کسی از قبل استطاعت مالی داشته ولی از نظر جسمی ناتوان و یا بیمار بوده و حج خویش را به انجام نرسانده، لیکن بعدها عافیت یافته و توان جسمی برای انجام حج را پیدا کرده، لیکن دیگر استطاعت مالی ندارد و بضاعت وی برای انجام حج ناچیز است و کفاف رفت و برگشت او را نمی‌کند. در این صورت می‌تواند نایب کس دیگر شود. همچنین کسی که شرایط حج وی کامل نشده، گرچه سروره هم باشد، می‌تواند نایب کس دیگر قرار گیرد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت دیگری را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی. چرا که نظریه، نیابت در اعمال عبادی خلاف اصل است، مگر آنکه دلیلی برای آن اقامه شود. بنابراین، اگر شخص ناقص حتی به صورت تبرعی، حج منوب عنه را انجام دهد، موجب فراغ ذمه وی نمی‌گردد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی؛ و هرگاه کسی حج واجب بر ذمه داشته باشد، نمی‌تواند نایب دیگری شود و اگر تخلف کند و نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد و حج او را انجام دهد، عملش باطل است. حال اگر شخص توان مالی و جسمی حج را داشته باشد و حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد.

در حال حاضر فقها، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و غالب آنان به فتوا و یا به احتیاط واجب درباره عذر غیر طاری فرموده‌اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی‌تواند نایب کسی در حج شود، اما درباره عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست. تمام اقوال و نظرات فقها، به دو مطلب و گفتار بر می‌-

گردد؛ «صحت استنابه و اجزاء از منوب عنه» یا «بطلان نیابت و عدم اجزاء از منوب عنه». هیچ یک از قائلین این دو گفتار، دلیل خاصی برای نظریه خود ندارند و هر دوی آن‌ها اکتفا به عمومات نیابت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. ابن حمزه (۱۴۰۴)، کتاب الوسیله إلى نیل الفضیله در جوامع الفقهیه، ۱۲۷۶، قم.
۲. ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، در یک جلد، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین ۷، اصفهان - ایران.
۳. آخوند خراسانی (۱۴۱۳) کفایه الاصول، ج ۱، ص ۳۵۸.
۴. آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰)، مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی، ۱۲ جلد، مؤلف، تهران - ایران.
۵. بحرانی، محمد سند (۱۴۲۳)، سند العروه الوثقی - کتاب الحج، ۴ جلد، مؤسسه امّ القرى للتحقیق والنشر، بیروت - لبنان.
۶. بهجت، محمد تقی (۱۳۸۷)، مناسک حج و عمره، یک جلد، دفتر آیت الله بهجت، قم - ایران.
۷. تبریزی، میرزا جواد بن علی (۱۳۸۱)، التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، ۳ جلد، اول.
۸. تبریزی، میرزا جواد بن علی (۱۴۱۶)، صراط النجاة، ۷ جلد، اول، ۱۴۱۶ق.
۹. جعفر بن خضر مالکی نجفی (۱۴۲۲)، كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثه)، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البیت، قم - ایران.
۱۱. حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶)، مستمسک العروه الوثقی، ۱۴ جلد، مؤسسه دار التفسیر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ق.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی (۱۳۸۷)، مناسک حج، یک جلد، دفتر مقام معظم رهبری، تهران - ایران.
۱۳. خلخالی، رضا (۱۴۰۵) معتمد العروه الوثقی، ج ۲، ص ۹، محاضرات آیه الله خوئی.
۱۴. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۰۷)، تحریر الوسیله، ۲ جلد، اعتماد الکاظمی، تهران - ایران، ششم.

۱۵. خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۶)، معتمد العروة الوثقی، ۲ جلد، منشورات مدرسه دار العلم - لطفی، قم - ایران.
۱۶. خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۸)، موسوعه الإمام الخوئی، ۳۳ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، قم - ایران.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۲۲)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سید کیلانی، تهران.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴)، الحج فی الشریعة الإسلامیة الغراء، ۵ جلد، مؤسسه امام صادق ۷، قم - ایران.
۱۹. سبحانی، شیخ جعفر (۱۴۱۰)، بسوط فی أصول الفقه، ج ۳، ص ۵۱۳.
۲۰. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۳۰)، مناسک حج، در یک جلد، دفتر آیت الله سیستانی در قم، قم - ایران.
۲۱. شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی (۱۳۶۹)، کتاب الحج، ۵ جلد، مؤسسه انصاریان، قم - ایران.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم - ایران.
۲۴. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ جلد، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریه، تهران - ایران.
۲۵. صاحب جواهر، محمد حسن نجفی (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دارالکتب الإسلامیه، تهران - ایران.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۳ق)، فقه الحج، ۴ جلد، مؤسسه حضرت معصومه ۳، قم - ایران.
۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.

۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم، قم - ایران.
۲۹. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم، قم - ایران.
۳۰. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - کتاب الحج - ، ۵ جلد، دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان.
۳۱. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران.
۳۲. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت، قم - ایران.
۳۳. محمودی، محمدرضا (۱۳۸۰)، مناسک حج امام خمینی (محتسبی)، در یک جلد، نشر مشعر، تهران - ایران، ویرایش جدید.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶)، مناسک جامع حج، در یک جلد، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب، قم - ایران.
۳۵. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۹)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ۸ جلد، مؤسسه آل البيت، بیروت - لبنان.
۳۶. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۵۵، باب ۴۰ از ابواب طواف، حدیث ۴.
۳۷. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۵۵، باب ۴۷ از ابواب طواف، حدیث ۲.
۳۸. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۲، باب ۶۳ از ابواب طواف، حدیث ۱.
۳۹. وهبه مصطفی زحیلی (۱۴۰۹)، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۳، ص ۴۱-۴۵، دمشق.